



پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ خیرالدين حفظه الله تعالى

موضوع:

۱. احکام؛ قصاص و دیات
۲. احکام؛ حدود و تعزیرات

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: سمانه خوشدل

تاریخ: ۱۳۹۹/۳/۷

به تازگی در ایران جنایت دردناکی رخ داده که سر و صدای زیادی به راه انداخته و آن قتل یک دختر نوجوان به دست پدرش بوده است. می‌خواستم حکم چنین جنایتی را از نظر اسلام تبیین بفرمایید. آیا در اسلام اگر پدری فرزندش را بکشد، قصاص نمی‌شود؟ از نظر روانشناسی، کسی که یک شخص ناآشنا را می‌کشد خطرناک‌تر است یا کسی که حتی به فرزند خودش رحم نمی‌کند؟! با توجه به اینکه دین اسلام، دینی اجتماعی است و پدری که فرزندش را می‌کشد، به مراتب برای جامعه خطرناک‌تر است، آیا نباید مجازات فرزندکشی بیشتر از مجازات کشتن اشخاص دیگر باشد؟ پیشاپیش از پاسخ شما متشکرم.

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۹/۳/۱۳

لطفاً به نکات زیر توجه فرمایید:

۱. کشتن عمدی فرزند، رویداد بسیار نادری است؛ چراکه پدر و مادر، طبیعتاً و فطرتاً، مهربان‌ترین و دلسوزترین انسان نسبت به فرزند خود هستند و با این وصف، به ندرت پیش می‌آید که راضی به مرگ او بشوند، چه رسد به اینکه خودشان او را بکشند! از این رو، هنگامی که چنین رویداد غریب و دور از انتظاری روی می‌دهد، مردم بسیار متعجب و متأثر می‌شوند و دوست می‌دارند که پدر و مادر به شدیدترین شکل ممکن مجازات شوند، ولی باید توجه داشت که اسلام تابع اهواء و احساسات مردم نیست، بلکه تابع عدالت و اخلاق و مبتنی بر قواعد دقیق عقلانی است؛ چنانکه فرموده است: ﴿وَلَوْ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ﴾؛ «و اگر حق از خواهش‌های آنان تبعیت کند هرآینه آسمان‌ها و زمین و هر کس در آن‌هاست تباه می‌شود»

۱. المؤمنون / ۷۱

www.alkhorasani.com

بایک اطلاع بر سبیل فتر منصوص باشی جز الله حفظه الله تعالی

و فرموده است: «وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»^۱؛ «و چه بسا چیزی را خوش نمی دارید در حالی که آن خیری برای شماست و چه بسا چیزی را خوش می دارید در حالی که آن شری برای شماست و خداوند می داند و شما نمی دانید» و فرموده است: «فَلَا تَضْرِبُوا لِلَّهِ الْأَمْثَالَ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»^۲؛ «پس برای خداوند مثل نزنید، هرآینه خداوند می داند و شما نمی دانید».

۲. قاعده این است که هر کس انسانی را از روی ظلم و عمد می کشد، قصاص می شود؛ چراکه خداوند فرموده است: «أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ»^۳؛ «جان در برابر جان»، ولی روایات متواتر و مشهوری از پیامبر و اهل بیت او رسیده است با این مضمون که «لَا يَقْتُلُ وَالِدٌ بَوْلَدَهُ»^۴؛ «هیچ پدر یا مادری به خاطر فرزندش کشته نمی شود». از این رو، بیشتر عالمان مسلمان از جمله ابو حنیفه، شافعی و أحمد بن حنبل، قصاص پدر و مادر به خاطر فرزند را از عموم سخن خداوند مستثنا دانسته اند، در حالی که بنا بر مبنای علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی، روایات -هر چند متواتر و مشهور باشند- قادر به تخصیص سخن خداوند نیستند و این می تواند به معنای آن باشد که پدر و مادر نیز مشمول قصاص می شوند، ولی حق آن است که چنین نیست؛ چراکه روایات مذکور، سخن خداوند را تخصیص نمی زنند، بلکه تبیین می کنند؛ با توجه به اینکه خداوند در آیات متعددی از کتاب خود، بر ضرورت نیکی به پدر و مادر تأکید کرده و به عنوان نمونه فرموده است: «قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّيَ عَلَيَّكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»^۵؛ «بگو بیایید که به شما بگویم پروردگارتان چه چیزی را بر شما حرام کرده است، برای او شریکی نگیرید و به پدر و مادر نیکی کنید» و فرموده است: «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفْ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا ۖ وَخَفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا»^۶؛ «و پروردگارت مقرر داشت که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید، هرگاه یکی از آن دو یا هر دو نزد تو به پیری رسیدند، به آن دو اف هم نگو و آن دو را نران و به آن دو سخنی بزرگووارانه بگو و بال فروتنی را از روی مهر برای آن دو بگستران و بگو: پروردگارا! آن دو را رحمت کن همان طور که من را وقتی کوچک بودم پروراندند» و فرموده است: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَىٰ وَهْنٍ وَفَصَالَهُ فِي غَمٍّ إِنَّ اشْكُرْ لِي

۱. البقرة / ۲۱۶

۲. النحل / ۷۴

۳. المائدة / ۴۵

۴. مصنف ابن أبي شيبة، ج ۵، ص ۴۵۱؛ مسند أحمد، ج ۱، ص ۴۲۳؛ المنتخب من مسند عبد بن حميد، ص ۴۴؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۸۸۸؛ سنن الترمذي، ج ۴، ص ۱۸؛ مسند البزار، ج ۱۱، ص ۱۱۴؛ الكافي للكليني، ج ۷، ص ۲۹۷؛ معجم ابن المقرئ، ص ۳۳۰؛ من لا يحضره الفقيه لابن بابويه، ج ۴، ص ۳۶۷؛ سنن الدارقطني، ج ۴، ص ۱۶۶؛ حلية الأولياء وطبقات الأصفياء لأبي نعيم الأصبهاني، ج ۴، ص ۱۷؛ السنن الكبرى للبيهقي، ج ۸، ص ۷۰؛ تهذيب الأحكام للطوسي، ج ۱۰، ص ۲۳۶

۵. الأنعام / ۱۵۱

۶. الإسراء / ۲۳ و ۲۴

وَلَوْلَا دَيْنُكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ^۱؛ «و انسان را نسبت به پدر و مادرش وصیت کردیم، مادرش او را با ناتوانی بر روی ناتوانی حمل کرد و در دو سال از شیر گرفت، من و پدر و مادرت را شکر گزار، بازگشت به سوی من است». واضح است که این آیات، عام هستند و شامل زمانی که پدر و مادر به فرزند آزار یا آسیبی می‌رسانند نیز می‌شوند. از این رو، برای فرزند جایز نیست که در چنین زمانی، از آن دو انتقام بگیرد؛ به این صورت که مثلاً اگر آن دو او را سیلی زدند، او نیز آن دو را سیلی زند و اگر آن دو او را چوب زدند، او نیز آن دو را چوب زند و اگر آن دو باعث مرگ او شدند، او نیز باعث مرگ آن دو شود. چنین کاری، هر چند در رابطه با دیگران عدالت محسوب می‌شود، در رابطه با پدر و مادر عدالت محسوب نمی‌شود؛ چراکه آن دو، سبب پیدایش فرزند بوده‌اند و او را پرورش داده‌اند و تبعاً حق عظیمی بر گردن او دارند. از این رو، روایاتی که کشتن پدر و مادر به خاطر فرزند را جایز ندانسته‌اند، با کتاب خداوند منافات ندارند؛ خصوصاً با توجه به اینکه می‌توان گفت: قتل «نفس» در کتاب خداوند، به قتل غیر فرزند انصراف دارد؛ چنانکه آن دو را جدا از هم یاد کرده و فرموده است: **«وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنٌ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ^۲»**؛ «و فرزندان خود را به خاطر فقر نکشید، ما شما و آن‌ها را روزی می‌دهیم و به کارهای زشت آشکار یا پنهان نزدیک نشوید و نفسی که خداوند محترم داشته است را جز به حق نکشید».

۳. عقل سلیم، کشتن پدر و مادر به خاطر کشتن فرزند را متناسب نمی‌داند؛ چراکه آن دو سبب پیدایش فرزند بوده‌اند و از این رو، هرگاه او را بکشند، کسی را کشته‌اند که خود پدید آورده‌اند، در حالی که فرزند سبب پیدایش پدر و مادر نبوده است و از این رو، کشتن آن دو به خاطر او، تناسب ندارد و تبعاً عقلانی محسوب نمی‌شود.

۴. شیعه -بر خلاف اکثر عالمان مسلمان- معتقد است که کشتن مادر به خاطر فرزند جایز است؛ چراکه «والد» در روایات رسیده، تنها به پدر باز می‌گردد، در حالی که این استدلال صحیح نیست؛ چراکه مادر نیز مانند پدر در ولادت فرزند نقش داشته و از این رو، خداوند از «والدین» یعنی دو «والد» سخن گفته است، بلکه نقش مادر در ولادت فرزند، با توجه به پروراندن او در رحم خود و به دنیا آوردن او با مشقت و شیر دادن به او در طول دو سال، بیشتر بوده و از این رو، به طریق اولی مشمول لفظ «والد» است؛ همچنانکه در قرآن و سنت، تأکید بیشتری بر ضرورت نیکی به مادر در مقایسه با پدر شده است. بنابراین، مذکر آوردن لفظ «والد» در روایات، برای منحصر ساختن موضوع یا حکم به پدر نبوده، بل از باب تغلیب مذکر بر مؤنث در کلام عرب یا با لحاظ این واقعیت بوده است که کشتن فرزند غالباً توسط پدر انجام می‌شود، نه مادر. واضح است که این،

۱. لقمان / ۱۴

۲. الأنعام / ۱۵۱



حتی اگر قطعی دانسته نشود، برای جلوگیری از کشتن مادر کفایت می‌کند؛ چراکه در قصاص، احتیاط واجب است و حدود، با شبهه برداشته می‌شوند.

۵. هر چند کشتن پدر و مادر به خاطر کشتن فرزند جایز نیست، ولی امام می‌تواند آن دو را به هر اندازه و شیوه‌ای دیگر که مصلحت می‌بیند تعزیر کند و حتی در صورت مصلحت، به حبس ابد محکوم سازد؛ چراکه ادله‌ی عقلی و شرعی، تنها از کشتن آن دو باز می‌دارند و از هیچ مجازات دیگری که سبب مرگ آن دو نمی‌شود، هرگاه برای تنبیه آن دو و عبرت دیگران لازم باشد، باز نمی‌دارند؛ همچنانکه کفاره‌ی قتل و پرداخت دیه‌ی مقتول به ورثه‌ی او - جز قاتل - به قوت خود باقی است؛ چراکه دلیلی برای سقوط آن دو از عهده‌ی پدر و مادر وجود ندارد.



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌هاشمی خراسانی
مجلس خبرگان رهبری



www.alkhorasani.com

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.